

چرا؟ بچه‌ها از خودتان یاد میگیرند و به خودتان تحویل میدهند. معروف است که: حرف راست را از بچه بشنو! این یعنی چه؟ یعنی این هنوز در درونش دروغ شکل نگرفته، هنوز آن فطرت از بین نرفته، راستی و درستی درون او هست، اگر پدر و مادر جور دیگر عمل میکنند، بر خلاف فطرت این بچه است. تمام اینها ریشه دارد در نهاد هر انسانی که راستگویی حسنه است و دروغ بد است.

خوب عمل کردن بهترین آموزش است

میرویم سراغ رفتاری آن، در آن روایت داشت «وَيُرَغَّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ» اینجا علی (علیه السلام) در این روایتی که خواندم فرمود: «خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ ... وَ نَدَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحَسَنِ أَعْمَالِهِ» بهترین برادرانت کسی است که ... تو را با بهترین کارهایی که جلو تو انجام میدهد به بهترین کارها دعوت بکند. که این هم دوباره روشی بصری است.

از این دو طریق سمعی - بصری، فرزند تربیت میشود. آن هم به این نحو که در روایت آمده است؛ هم دیداری، هم شنیداری و هم رفتاری. این به بزرگترها هم اختصاص ندارد. اتفاقاً بچه زودتر میگیرد. اثر تربیت هم این است که فرزند با بکارگیری روش گفتاری و رفتاری خاصی که آموخته و برایش ملکه شده، هر چه انجام میدهد، چه گفتار و چه کردار، کارهایش عقلاً و شرعاً نیکو باشد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد.

[۱]. وسائل الشیعه، جلد ۲۰، صفحه ۱۵۴

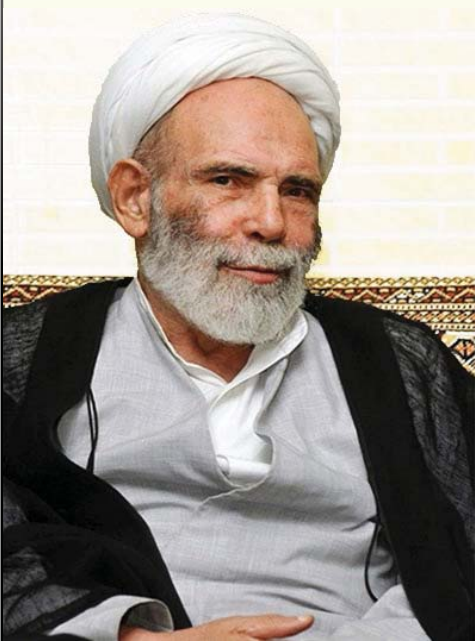
[۲]. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳

[۳]. غررالحکم، ص ۱۵۳

[۴]. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳

تربیت در محیط خانوادگی

* معروف است که: حرف راست را از بچه بشنو! این یعنی چه؟ یعنی این هنوز در درونش دروغ شکل نگرفته، هنوز آن فطرت از بین نرفته، راستی و درستی درون او هست، اگر پدر و مادر جور دیگر عمل میکنند، بر خلاف فطرت این بچه است



تربیت در محیط خانوادگی: ۶

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

رَوَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ): « إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ [۱] » غیرت از آثار ایمان است.

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما در باب غیرت بود و به بحث تربیت کشیده شد. جهتش هم این بود که غیرت از محبت نشأت گرفته است و این محبت اقتضا میکند که انسان در محیط‌هایی که مسئله محبت مطرح است، در کنار آن غیرت داشته باشد. بعد هم مسئله تربیت از غیرت نشأت میگیرد. اولین و مؤثرترین محیطی که انسان در او ساخته میشود، محیط خانوادگی است و مهمترین و تأثیرگذارترین نقشها بر روی فرزند، نقش پدر و مادر است که والدین کمال تأثیر را بر روی فرزند خود دارند. جلسه گذشته نیز تربیت را از دیدگاه مباحث اخلاقی معنا کردم که تربیت عبارتست از: آموزش رفتاری و گفتاری. به مناسبت هم روایتی را از پیغمبر اکرم مطرح کردم که آن را برای آن کسانی که این مباحث را تعقیب میکنند، تذکر میدهم.

روایتی را که جلسه گذشته من مطرح کردم، روایتی از پیغمبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) بود که عبد الله بن عباس آن را نقل کرده است. این روایت را من از وسائل الشیعه، احکام عشرت، باب یازدهم، حدیث چهارم نقل کردم، که «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَيُّ الْجُلَسَاءِ خَيْرٌ؟ قَالَ: مَنْ تَذَكَّرَكُمْ اللَّهُ بِرُؤْيَيْهِ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنَطِقَهُ وَ يُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ [۲]».

این روایت در بحار الانوار، جلد ۷۴، حدیث ۱۸ هم آمده است - البته در چند جلد دیگر بحار مانند جلد ۷۱ هم هست - جابر بن عبد الله انصاری از پیغمبر اکرم نقل میکند، که ایشان فرمود: « وَ قَالَ الْخَوَارِثُونَ لِعِيسَى: لِمَنْ نُجَالِسُ؟ فَقَالَ: مَنْ يُذَكِّرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيَيْهِ وَ يُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ وَ يَزِيدُ فِي مَنَطِقِكُمْ عِلْمُهُ [۳] » خوارثون از حضرت عیسی میپرسند: ما با چه کسی مجالست کنیم؟ یعنی با چه کسی رابطه تنگاتنگ داشته باشیم؟ آنها میپرسند و حضرت پاسخ میدهد.

در كنز العمال هم اگر مراجعه کنید، در چهار جای آن آمده است؛ عامه و خاصه هم این روایت را نقل میکنند. من غرضم این است که این روایت یکی نیست. شاید عبارات مختلف باشد - حالا تقدّم و تأخّر و این تفاوت‌های جزئی مدخلیت ندارد - اساس کار در هم‌هشان سه چیز است؛ مسئله دیداری، شنیداری و کرداری. در بحث تربیت اولاً ما به طور غالب رابطهای تنگاتنگتر از رابطه پدر و مادر با فرزند نداریم. دوم، این رابطه تنگاتنگ هم در یک مقطع زمانی خاص است که روح طفل از نظر اثرپذیری در آن مقطع، هم سریعتر و هم عمیقتر است.

آیا تربیت کردن نیاز به قصد تربیت دارد؟

سوم، بحث این جلسه است. در باب تربیت یک مسئله‌ای مطرح است که این روایات هم گویای همین است. و آن اینکه: آیا تربیت از عناوین قصدیه است؟ یعنی در تربیت، قصد و نیت مدخلیت دارد تا اینکه تحقق پیدا کند یا نه؟ یک سنخ از امور است که در آنها تا نیت نکنی در خارج تحقق پیدا نمیکند؛ مثل عبادات. نماز را تا نیت نکنی، نماز نیست. خم و راست شدن را نماز نمیگویند. گاهی در گذشته راجع به فلسفه عبادات و راجع به نماز می‌گفتند: نماز، ورزش صبحگاهی و شبانه‌گاهی است. اینها تا این اندازه از معارف دورند و با آن اجنبی هستند!! درباره‌ی روزه هم تا نیت نکنی روزه تحقق پیدا نمیکند. نیت رکن نماز است، نیت رکن روزه است. اینها اموری هستند که نیت و قصد در تحقق آنها مدخلیت دارد. لذا می‌گوییم از عناوین قصدیه هستند و نیت، رکن آنهاست.

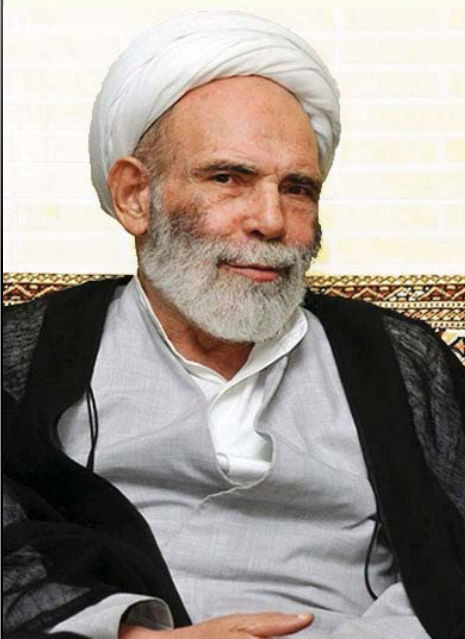
نفس عمل تأثیر تربیتی میگذارد؛ نه عمل همراه با نیت

اما یک سنخ امور هستند که از عناوین قصدیه نیست و نیت نقشی در آنها ندارد. چه نیت بکنی، چه نیت نکنی، تحقق پیدا میکند؛ مثل آموزش. ما می‌گوییم وقتی مربی می‌خواهد کسی را تربیت کند آیا باید قصد تربیت داشته باشد یا لازم نیست؟ در این روایات که سؤال شده بود، با چه کسی رابطه تنگاتنگ داشته باشم؟ سه خصوصیت مطرح شد؛ یکی دیداری، یکی شنیداری و بعد هم مسئله گفتاری - مسئله رفتاری و کرداری را هم بعداً می‌گوییم - و اصلاً به اینکه نیت بکند یا نکند، کار ندارد. یعنی با یک کسی رابطه تنگاتنگ پیدا کن که پیکره او را ببینی اثر داشته باشد. حالا او می‌خواهد این پیکره‌اش را ساخته باشد برای اینکه به تو چیزی را یاد بدهد یا نه. اراده، قصد و نیت کرده باشد، یا نکرده باشد. چون تربیت از عناوین قصدیه نیست و قصد در آن دخالت ندارد. بخواهی یا نخواهی، حرف که می‌زنی اثر میگذارد و آموزش میگیرد؛ حالا قصد بکنی یا نکنی. همین که فرزند به حرف زدن پدر و مادر گوش میدهد، اثر میپذیرد. خود عمل تأثیر میگذارد نه عمل همراه با نیت. روایات را دیدید که همه بر روی این مسأله تأکید داشت.

مواجهه با شایستگان، انسان را به سوی شایستگی میکشاند

تربیت در محیط خانوادگی

* تربیت از عناوین قصدیه نیست و قصد در آن دخالت ندارد. بخواهی یا نخواهی، حرف که می‌زنی اثر میگذارد و آموزش میگیرد؛ حالا قصد بکنی یا نکنی. همین که فرزند به حرف زدن پدر و مادر گوش میدهد، اثر میپذیرد. خود عمل تأثیر میگذارد نه عمل همراه با نیت.



این روایتی که من مطرح کردم برای این بود که میخواستیم بگوییم که نفس رابطه، مطرح شده است. اصلاً نفس مواجهه‌ی با فرزند، آموزش است. یک روایتی است از امام زین العابدین (علیه السلام) میفرماید: «مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلاحِ» [۴] نشست و برخاست با نیکوکاران، دعوت کننده‌ی بسوی نیکی و شایستگی است. همین رابطه و مواجهه با شایستگان، انسان را به سوی شایستگی میکشاند. بخواهی یا نخواهی، میکشاند. چه آن شخص شایسته و صالح، اراده کرده باشد یا اراده نکرده باشد.

اسوه‌های قرآنی

من اینها را محکم میگویم. اینکه میگوییم: تربیت آموزش دادن است، یعنی روش رفتاری و گفتاری دادن است؛ این نکته ظریف را دارد که کسی که میخواهد روش بدهد، لازم نیست این روش دادن را اراده کرده باشد. لذا میبینیم در اصطلاح قرآنی، هم راجع به پیغمبر داریم، هم راجع به حضرت ابراهیم - هر دو تا را تحت یک عنوان مطرح میکنند- که تعبیر به اسوه می کند. اینها اسوه هستند. یعنی اینها روش میدهند، حالا میخواهد روش دادن را قصد بکنند یا قصد نکنند.

درباره پیغمبر میگوید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» [۵]

در باره حضرت ابراهیم میفرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الذِّينَ مَعَهُ» [۶]

پدر و مادر باید اسوه حسنه باشند!

اسوه در لغت به معنای مقتدا و پیشوا است. هر محیطی که انسان در آن محیط ساخته میشود، آنجا برای خودش یک اسوه دارد. در محیط خانوادگی پدر و مادر اسوه‌اند. در خانه هم برای فرزند آموزش خوب جا میافتد. چون هنوز فرزند به آن حدی که استقلال پیدا بکند، نرسیده است و تحت تکفل و حمایت آنها است. اگر بخواهیم این مطالب را در قالب قرآنی بریزیم، باید بگوییم: پدر باید اسوه حسنه باشد! مادر باید اسوه حسنه باشد! در چند رابطه؟ در سه رابطه؛ هم دیدارباش، هم شنیدارباش، هم گفتاری و کردارباش. این باید اسوه حسنه باشد. قصد هم اینجا مطرح نیست. یعنی وقتی فرزند پیکره پدر را میبیند، دارد از او الگو میگیرد. پدر بخواهد یا نخواهد، دارد فرزندش را آموزش میدهد.

پیکر و پوشش والدین فرزند را تربیت میکند

مادر باید اسوه حسنه باشد. همان پیکره‌اش، خودش و تبعاتش؛ هم خودش و هم پوشش او، که نزدیکترین تبعه اوست. چه پوشش خودشان، چه پوششی که به تن فرزندشان میکنند. پوششی را که پدر دارد، بخواهد یا نخواهد، دارد به فرزندش این پوشش را آموزش میدهد. پوششی که مادر دارد، چه بخواهد و چه نخواهد، دارد از طریق دیداری، آموزش میدهد.

پوشش والدین، حیا را شکوفا کرده یا سرکوب میکند.

او به فرزندش حیا، عفاف و پاکدامنی آموزش میدهد؟ یا سرکوب کردن حیا در درون او را آموزش میدهد؟ حیا از فطریات است. حیا یک بحث مستقل است. این مطلب را بعداً بحث میکنم که حیا از فطریات انسان است. آیا دارد شکوفا می کند حیا را در درون فرزند؟ یا دارد این فطرت را در درون او سرکوب میکند؟ تو کدام یک از اینها را انجام میدهی؟ بحث اینکه اراده کردی یا نکردی، قصد کردی یا نکردی نیست؛ هیكلات را که اینگونه پوشاندی، همین پوشش تو، بخواهی یا نخواهی به بچه آموزش میدهد. چه پدر، چه مادر، خودشان و نزدیکترین تبعات آنها، یکی پیکره‌شان، بعد هم آنچیزی که به پیکره‌شان میپوشانند، این به بچه آموزش میدهد. این مباحث کاملاً حساب شده و دقیق، همه با آنچه که خداوند در نهاد هر انسانی به ودیعه گذاشته است، همسو است. پیکره‌ات باید به گونهای باشد که آنچه که خدا در نهاد او قرار داده است، آن را شکوفا کنی نه سرکوب کنی!

میخواستیم این را عرض کنم که این سه خصیصه، برای تربیت فرزند نقش اساسی دارد. نقش زیربنایی دارد؛ یعنی پدر و مادر در جنبه‌های دیداری، شنیداری و رفتاری، باید برای فرزند اسوه حسنه باشند. از نظر پیکرشان بچه را به یاد خدا می‌اندازند یا شیطان؟ نسبت به تبعاتشان هم، مسأله‌ی پوشش هم همینطور است.

پوشش حضرت زهرا (سلام الله علیها) هنگام ایراد خطبه فدک

من به مناسبت ایام بروم سراغ بحث راجع به حضرت زهرا (سلام الله علیها)، که ایشان در رابطه با قضایای فدک، به مسجد رفتند و جمعیت هم همه آنجا بودند که خطبه معروفشان را خواندند. من نمیخواهم وارد خطبه بشوم، آنکه مورد استشهاد برای بحثم است، این است که نقل شده حضرت هنگام خروج «لَا تُتِ خِمَارُهَا عَلَى رَأْسِهَا» [۷]

«لَا تُتِ» به معنای پیچیدن است، میگوییم «لَا تُتِ الْعِمَامَةُ عَلَى رَأْسِهِ». خِمار یک چیزی بوده است که بزرگتر از روسریهای فعلی بوده، یعنی سر و گردن و همه اینها را میپوشانده، وقتی که خبردار شدند که مردم از مهاجر و انصار در مسجد جمع شدند، حضرت بلند شدند و خِمار را به سر مبارکشان بستند، به نحوی که تمام سر و گردن را پوشاند، «وَأَشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا»، جلباب یک پوشش سراسری بوده که روی لباس بوده، الآن در مناطق عرب‌نشین تعبیر به عبا میکنند، ما میگوییم: پوشش برتر؛ چادر. این را هم بر سرشان انداختند که تمام بدن پوشیده شد.

تربیت در محیط خانوادگی

* تربیت آموزش دادن است، یعنی روش رفتاری و گفتاری دادن است؛ این نکته ظریف را دارد که کسی که میخواهد روش بدهد، لازم نیست این روش دادن را اراده کرده باشد.

* پوششی را که پدر دارد، بخواهد یا نخواهد، دارد به فرزندش این پوشش را آموزش میدهد. پوششی که مادر دارد، چه بخواهد و چه نخواهد، دارد از طریق دیداری، آموزش میدهد.

* پدر و مادر در جنبه‌های دیداری، شنیداری و رفتاری، باید برای فرزند اسوه حسنه باشند.

